

نبرد کوروش بزرگ در اوییس

مجید خالقیان

کوروش بزرگ





نبرد کوروش بزرگ در اوپیس

مجید خالقیان، کوروش شهرکی

۱۱ آذر ۱۳۹۷

گرافیک طرح روی جلد: مهسا پارسی

نبرد کوروش بزرگ در اوپیس

بررسی پندار نادرست قتل عام مردم در اوپیس

مجید خالقیان^۱ (نویسنده سرپرست)

کوروش شهرکی

برابر با بروز رسانی ۱۱ آذر ۱۳۹۷

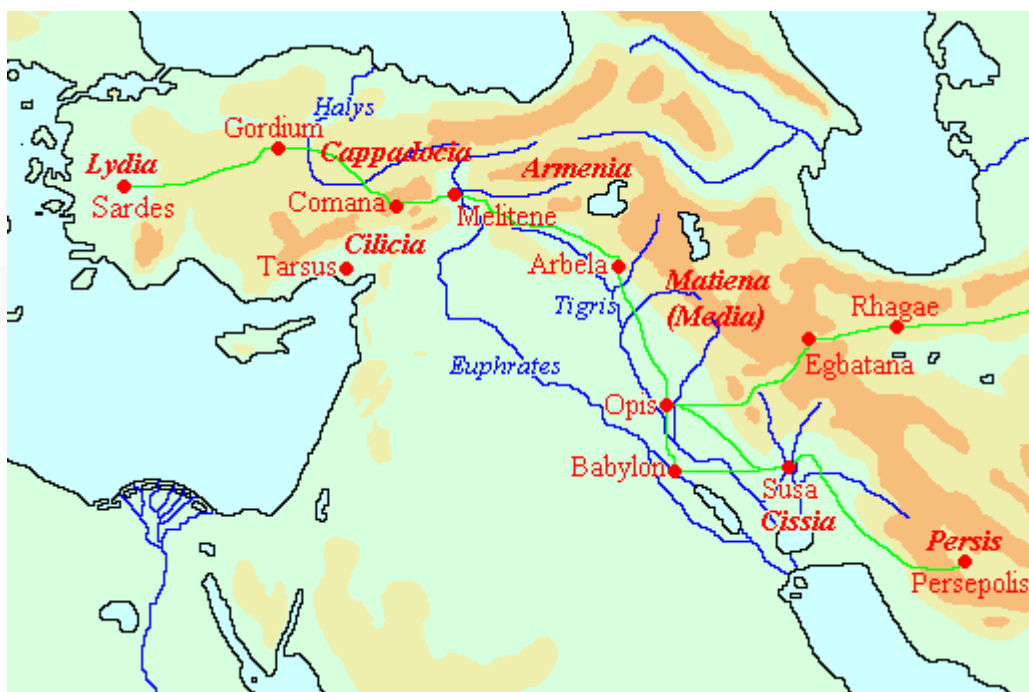
یکی از اسناد بسیار مهم و ارزشمند درباره کوروش بزرگ، «رویدادنامه نبونئید» می باشد. این رویدادنامه که توسط رویدادنگاران بابلی تهیه شده، با توجه به آنکه هم عصر با کوروش بزرگ نگارش یافته است، مورد استناد پژوهشگران قرار می گیرد. از آنجا که این سند بر اساس سال های پادشاهی «نبونئید» (پادشاه بابل) تنظیم شده، به «رویدادنامه نبونئید» مشهور شده است.

چندی است که در گفته ها و نوشته های کوروش ستیزان می بینیم که به یکی از بخش های این رویدادنامه استناد می شود و اینچنین نتیجه می گیرند که کوروش بزرگ در اوپیس به قتل عام مردم پرداخت !! در صورتی که با پژوهش های عمیق تر مشخص می شود که چیزی راجع به قتل عام مردم در این رویدادنامه وجود ندارد و در

^۱ - دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه تهران

واقع شکست سربازان دشمن توسط کوروش بزرگ در آن آمده است. ترجمه‌های قابل تامل دیگری هم وجود دارند که این بخش را مرتبط با شورش همزمان با نبرد اوپیس در بابل و سرکوب آن توسط نبونئید می‌دانند.

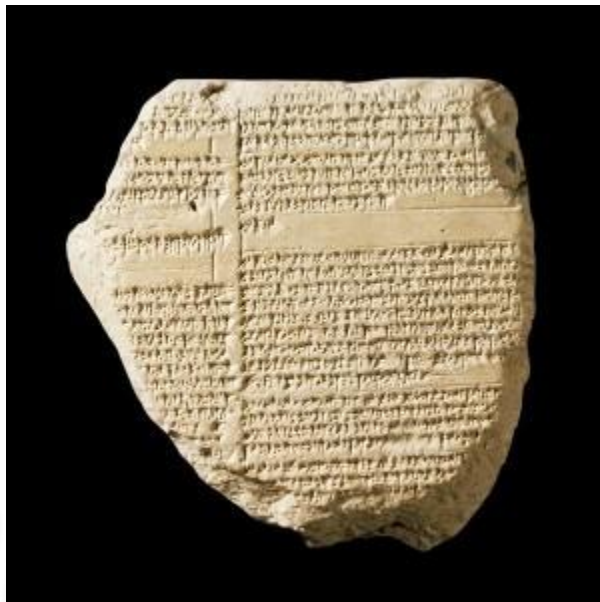
اوپیس شهری باستانی در ساحل رود دجله و فرات است و تنها مکانی است که کوروش در آن با سپاهیان بابلی جنگید، در واقع به نظر می‌رسد نبرد اوپیس تنها جنگی است که در خاک کشور بابل صورت می‌گیرد و پس از آن شهر سیپر و پایتخت یعنی شهر بابل بدون جنگ فتح می‌شود.



شهر باستانی اوپیس در شمال بابل و ساحل رود دجله

منابع تاریخی که شهر اوپیس در آنها ذکر شده یکی کتیبه رویداد نامه نبونئید و دیگری تاریخ هرودوت است، کتیبه رویدادنامه از وقوع جنگ در این شهر اشاره می‌کند

در حالی که تاریخ هرودوت تنها از عبور سپاهیان کوروش از این شهر نوشته است. بدین ترتیب تنها آگاهی ما از جنگ اوپیس به ترجمه رویدادنامه نبونئید برمی گردد.



کتیبه رویداد نامه نبونئید

از این بخش رویدادنامه، ترجمه‌های متفاوتی ارائه شده است و تعدادی از پژوهشگران غربی با توجه به ترجمه‌های اشتباه پیشین مواردی را در این باره مطرح کرده‌اند اما دانش روز به روز در حال پیشرفت است به ویژه در پژوهش‌های تاریخی و فرهنگی که باید نگاه ویژه‌ای به پژوهش‌های نوین تر داشته باشیم.

جالب آنکه کوروش ستیزان، فقط و فقط به ترجمه‌های دلخواه خود استناد می کنند و به ترجمه‌های دیگر اصلاً اشاره نمی کنند!!

پیش از هر چیز بیایید یک ترجمه کلی و خلاصه شده با توجه به واژه‌های بابلی را بخوانیم:

در ماه تشریتو هنگامی که کوروش در اوپا (اوپیس) با سپاه اکد جنگ انجام می‌داد، او «نیشو» های اکد را کشت [یا شکست داد] (رویدادنامه نبونئید، ستون ۳، بندهای ۵-۱۴).

البته این ترجمه خیلی کوتاه و خلاصه بود و در ادامه به جزئیات می‌پردازیم. این بخش مربوط به سال هفدهم پادشاهی نبونئید می‌باشد و شکستگی‌ها و خوردگی‌های سطرهای پیشین باعث دشواری ترجمه این بخش شده است. تقریباً هیچ نوشته‌ای از سال دوازدهم تا شانزدهم باقی نمانده که متوجه شویم در این دوران چه اتفاقاتی افتاده است تا وقایع سال هفدهم را بر اساس آنها تحلیل کنیم. حتی نوشته‌های ابتدای سال هفدهم هم خوردگی دارد. کلیت این است که نبونئید سالها در پایتخت نبوده و باعث عدم برگزاری جشن سال نو شده اما پس از مدتی به بابل بازگشته است. در این میان کوروش به کشور بابل حمله کرده و سپاهیان نبونئید را شکست داده است. در ادامه از فتح بدون جنگ شهرهای سیپر و بابل یاد می‌شود و متن بر رفتار خوب کوروش با مردم تاکید می‌کند.

به راستی در این بخش از متن منظور از اکد، شهر بابل است یا کشور بابل؟ ضمیر «او» به چه کسی بر می‌گردد به نبونئید یا کوروش؟ واژه «نیشو» که می‌تواند هم معنای «مردم» دهد هم معنای «سرباز»، در اینجا با توجه به اینکه کوروش در اوپیس حضور دارد و از اصطلاح «نشوهای اکد» استفاده شده و نه «نیشوهای اوپیس» اشاره به سربازان داشته یا منظور مردم است؟

اینها ابهاماتی هستند که در این بخش از متن باستانی دیده می‌شوند و ما در این نوشتار به بررسی این بخش از رویدادنامه نبونئید می‌پردازیم.

بررسی منابع دیگر

در منابع دیگر گزارشی از این واقعه نیست و در هیچ منبعی ذکر نشده که کوروش بزرگ مردم اوپیس را قتل عام کرده است! تنها در تاریخ هرودوت، اشاره به شهر اوپیس شده (هرودوت، کتاب ۱، بند ۱۸۹) و هیچ اشاره‌ای به نبرد اوپیس یا کشتار مردم نشده است. این شرایط آشکار می‌سازد که در جهان باستان چیزی درباره قتل عام مردم اوپیس مشهور نبوده است که اگر بود جدا از درستی یا نادرستی آن حتما در منابع آن عصر ذکر می‌شد.

قطعا اگر بندهای پیشین رویدادنامه نبونئید خوردگی نداشت، اطلاعات سودمند بیشتری درباره این موضوع به دست می‌آمد.

واژه‌های «آکد» و «نیشو»

در متون بابلی آن زمان واژه «آکد» معادل با «بابل» بوده و هم می‌توانسته به «شهر بابل» و هم «کشور بابل» اشاره داشته باشد. طبیعتا در زمانی که از «سپاه آکد» سخن می‌رود منظور «سپاهیان کشور بابل» است و زمانی که از «مردم آکد» سخن گفته می‌شود منظور «مردم شهر بابل» است.

همچنین واژه «نیشو» که شاید بهترین برگردان‌های آن به پارسی واژه‌هایی مثل «افراد» و «مردان» باشد، طبیعتا می‌توانسته هم به مردم هم به سربازان اشاره داشته

باشد. واژه «نیشو» که در ترجمه کوتاه و کلی فوق با توجه به صورت بابلی آن آورده شده، مبنای بحث و اختلاف نظر پژوهشگران گردیده است.

ترجمه‌های قدیمی و اشتباه

در ترجمه قدیمی متعلق به سال ۱۹۶۶ از آقای گریسون این کتیبه به صورت زیر برگردان شده است:

در ماه تشیری وقتی که کوروش دوم در اوپیس در کنار رود تیگریز علیه ارتش آکد جنگید، مردم آکد عقب نشینی کردند. کوروش شهر را غارت و مردم را قتل عام کرد (کرمی پور، ۱۳۹۱: ص ۱۲۹).

این ترجمه قدیمی مورد استناد مورخان مطرحی چون جان مانوئل کوک، اومستد، آملی کورت، هینتس قرار گرفت، در حالی که ترجمه آن اشتباه بود. بنابراین شاید نتوان همه پژوهشگران را مقصر دانست بلکه سرچشمه اصلی آن دچار مشکل بود. نتیجه استناد به ترجمه‌های غلط و همچنین غرض ورزی برخی مورخان آن شد که عده‌ای اتهام «کشتن مردم در اوپیس» را به کوروش زدند، به عنوان مثال اومستد باستان‌شناس آمریکایی با آب و تاب می‌نویسد:

نزدیک به آغاز اکتبر، کوروش نبرد دیگری در اوپیس کنار دجله نمود، و مردم آکد را با آتش سوزاند، پس از این نمونه ترس آور، دشمنانش دلاوری از دست دادند، و در یازدهم اکتبر سیپار بدون نبرد گرفته شد (اومستد، ۱۳۸۳: صص ۶۸-۶۹).

در این نتیجه گیری اومستد علاوه بر آنکه اتهام کشتن مردم را به کوروش میزند پا را فراتر از اسناد و مدارک تاریخی گذاشته و مدعی «آتش زدن مردم» توسط کوروش می‌شود، حال آنکه واژه «آتش» را نمی‌توان حتی در ترجمه قدیمی کتیبه دید و هیچ کجای ترجمه این کتیبه سخنی از آتش و آتش افروزی دیده نمی‌شود. این تغییر آشکار متن چیزی به غیر از غرض ورزی نویسنده متن نمی‌تواند باشد که متأسفانه در برخی از نوشته‌های پژوهشگران غربی دیده می‌شود.

اشکال بدون پاسخ این ترجمه این است که در اینجا اگر منظور مردم اوپیس است، چرا از اصطلاح «نیشوهای اکد» استفاده شده است؟! طبیعتاً اگر منظور مردم اوپیس بود باید از اصطلاح «نیشوهای اوپیس» استفاده می‌شد.

همچنین چرا این ترجمه با دیگر منابع از جمله استوانه کوروش بزرگ و ادامه همین رویدادنامه نبونئید همخوانی ندارد؟

در بخش ابتدایی استوانه کوروش که از زبان یک بابلی نقل می‌شود، درباره فتوحات کوروش بزرگ اینچنین آمده است:

همه مردمان سیاه سر (=عامه مردم) را که (مردوک) به دستان او (=کوروش) سپرده بود، به د/دگری و راستی شبانی کرد (استوانه کوروش، بندهای ۱۳ و ۱۴، ترجمه رزمجو، موزه بریتانیا).

در ادامه همین رویدادنامه نبونئید، هماهنگی استوانه کوروش با رویدادنامه نبونئید آشکار است و اینچنین ذکر می‌شود:

هنگامی که کوروش سراسر با درود به بابل سخن می‌گفت شهر در امنیت و صلح بود (رویداد نامه نبونئید، ستون ۳، بند ۱۹).

بنابراین نمی‌توان به ترجمه‌های نادقیق که اصلاً به ابهامات توجهی نداشتند تکیه کرد.

ترجمه گریسون، تنها ترجمه‌ای که از این بخش ارائه شده نیست و با توجه به ابهامات این بخش، به صورت‌های دیگری هم ترجمه شده است. برای مثال ترجمه دارای اشکال گریسون ۴۱ سال بعد، در سال ۲۰۰۷ توسط پرفسور ولیفرد جی لمبرت در دانشگاه بیرمنگام انگلستان تصحیح شد، که در ادامه به آن مفصل می‌پردازیم.

اما ترجمه قدیمی گریسون از رویدادنامه نبونئید باعث شد عده‌ای که با تاریخ و فرهنگ ایران زمین سر ستیز دارند کمال سود جویی را از ترجمه برده و شایعاتی را پیرامون کوروش بزرگ گسترش دهند.

کوروش یا نبونئید؟ (بررسی ترجمه‌های اوپنهایم و ارفعی)

حال به بررسی چندی از ترجمه‌های قابل تامل دیگر می‌پردازیم. برخی از پژوهشگران برجسته، ضمیر او در این بخش را مرتبط با نبونئید می‌دانند چرا که در متن اشاره می‌شود که کوروش در اوپیس حضور داشته و ناآرامی توسط افراد اکد بوده است. پس نتیجه می‌گیرند که همزمان با نبرد کوروش در اوپیس، شورش در اکد (شهر بابل) رخ داده است.

برای مثال دکتر عبدالمجید ارفعی که بر اساس ترجمه شادروان اوپنهایم^۲ گزارشی از رویدادنامه ارائه داده، اینچنین آورده است:

^۲ Leo Oppenheim

آنگاه که کوروش بر سپاه اکد در اوپا [= اوپیس] بر کناره رود دجله می‌تازد، باشندگان اکد سر به شورش برداشتند، اما نبو-نئید [= نبونئید] باشندگان سردرگم را قتل عام کرد (ارفعی، ۱۳۸۹، ص ۱۴).

این ترجمه بسیار قابل تامل است و از چند جنبه قابل بررسی است. اول آنکه این ترجمه هماهنگی نسبی با آن چیزهایی دارد که در متون دیگر بابلی نظیر «گزارش منظوم» و «استوانه کوروش» درباره نبونئید می‌خوانیم.

در گزارش منظوم اینچنین آمده است:

نظم از سوی او (= نبونئید) اجرا نمی‌شد. / او مردم عادی را با [نی] از [به] نابودی کشاند، / بزرگ زادگان را در جنگ بکشت، / ... بر [بازماندگان راه را بست (همان، ص ۱۶)].

همچنین در استوانه کوروش اینچنین آمده است:

[نبونئید] همواره به شهر وی (=شهر مردوک = بابل) تبهکاری روا می‌داشت (و) هر روز [به] آزدن (آن) سرزمین دست (می‌یازید)، مردمانش را با یوغی بی آرام به نابودی می‌کشانید، همه آنها را... (استوانه کوروش، بند ۸، ترجمه ارفع، ۱۳۸۹، ص ۴۶).

مشاهده می‌کنید که بارها اشاره شده است که نبونئید رفتار بسیار بدی با مردم بابل داشته است. حتی چنین می‌نماید که مردم پایتخت کشور بابل که شهری مقدس برای بابلیان محسوب می‌شده اصلاً از نبونئید راضی نبودند و او را نفرین می‌کردند.

پس هیچ بعید نیست که نبونئید شورش‌هایی را سرکوب کرده باشد. چه شورش‌هایی از طرف مردم و چه شورش‌هایی که از طرف سپاهیان خودش رخ داده است. نکته مهم دیگر آنکه در اکثر بخش‌های رویدادنامه نبونئید واژه اکد اشاره به شهر بابل داشته است. برای مثال در وقایع مربوط به سال یازدهم کاملاً مشخص است که واژه اکد اشاره به شهر بابل دارد. اما در این بخش صراحتاً گفته شده که کوروش بزرگ در اوپیس حضور داشته و مشغول جنگ با سپاهیان نبونئید بوده است. سپس از اکد یاد می‌شود بنابراین اگر بپذیریم منظور شهر بابل است کوروش در دو جا نمی‌توانسته حضور داشته باشد. هم در شهر اوپیس باشد و هم در شهر بابل! بندهای پیشین هم تأکید می‌کنند که نبونئید به بابل بازگشته است.

اما چند اشکال را می‌توان در این باره بررسی کرد.

اشکال اول اینکه اگر منظور نبونئید است چرا مستقیم نام نبونئید برده نشده است. البته این اشکال بدون پاسخ نیست چرا که در جاهای دیگر رویدادنامه، وقتی از این پادشاه یاد می‌شود، نام «نبونئید» نیامده و از واژه «شاه» یا «او» استفاده شده است. شاید کاتبان با توجه به اینکه اشاره به اکد کردند در نظر داشتند که مخاطبان متوجه می‌شوند که منظور نبونئید است. متأسفانه اگر بندهای پیشین خوردگی نداشت می‌توانستیم این موضوع را بهتر بررسی کنیم.

اشکال دوم اینکه، بر اساس بندهای بعدی مشخص می‌شود که نبونئید به سیپر یا شاید اوپیس آمده است به طوری که در وقایع ماه تشریتو سال هفدهم، بلافاصله پس از قضیه اوپیس، ذکر می‌شود که سیپر در روز چهاردهم بدون جنگ تصرف شد و نبونئید فرار کرد (رویدادنامه نبونئید، ستون ۳، بندهای ۱۴ و ۱۵). پس از آن هم ذکر می‌شود که نبونئید در بابل دستگیر شد (همان، بند ۱۶) یعنی نبونئید از اوپیس یا سیپر به بابل

گریخته است. از این بخش برداشتی می‌توان کرد که به ترجمه فوق اشکال وارد می‌شود و اینکه در قضیه اوپیس و ماجرای بعد از آن، نبونئید در بابل نبوده و در سیپر یا اوپیس حضور داشته است. متأسفانه در متن روز دقیق قضیه اوپیس ذکر نشده است.

یک برداشت دیگر از متن این است که نبونئید، پس از سرکوب شورش بابل، راهی سیپر به منظور جنگ با کوروش شد اما شکست خورد و دوباره به بابل بازگشت. ولی نزدیک بودن این رویدادها به یکدیگر، کمی ابهام ایجاد می‌کند که در ۱۴ روز نبونئید مدام رفت و آمد کرده باشد همچنین در متن ذکر شده است که سیپر بدون جنگ فتح شده و این هم بر ابهامات این ترجمه می‌افزاید چرا که اگر نبونئید برای جنگ با کوروش تازه به سیپر رسیده بود، شهر بدون جنگ فتح نمی‌شد.

مردم یا سربازان؟ (بررسی ترجمه‌های لمبرت و رزمجو)

ترجمه‌های جدید از رویدادنامه نبونئید، موضوع اوپیس و جریانی که پس از آن آمده است را به گونه‌ای دیگر تحلیل کرده‌اند. در این ترجمه‌ها اشاره می‌کنند که منظور «سربازان اکد» است. یعنی کوروش در اوپیس با سپاه اکد جنگید، سربازان اکد عقب نشینی کردند و کوروش در نبرد اوپیس پیروز شد. احتمالاً نبونئید در همان اوپیس با کوروش رویارو شده و پس از شکست، به بابل فرار کرده است.

این خوانش توسط یکی از بهترین متخصصان خط میخی، یعنی پرفسور لمبرت تایید شده است. به طوری که او به این موضوع پرداخت و سطر را با دقت بیشتری ترجمه کرد. متن ترجمه بدین شرح است:

در ماه تشریتو وقتی کوروش با سپاه اکد در اوپیس بر ساحل دجله جنگید، سربازان اکد عقب نشستند. او (کوروش) غنیمت گرفت و سربازان (اکد) را مغلوب کرد (بادامچی، ۱۳۹۱: ص ۳۴).

این ترجمه را می‌توان یکی از معتبرترین ترجمه‌ها از این بخش دانست که تقریباً ابهامات را رفع کرده است.

برخی واژه «نیشو» را به مردم تعبیر کرده‌اند، در حالی که این واژه با توجه به ساختار این متن، در اینجا غیر منطقی و بی معنی جلوه می‌کند، به طوری که پرفسور لمبرت معنای «سرباز» را صحیح‌تر تشخیص داده است. لمبرت به درستی تذکر می‌دهد که اصطلاح «سپاه اکد» نام درستی برای سپاه نبونئید است چون اکد به معنی کل سرزمین بابل است و احتمالاً مردمی از سراسر بابل در سپاه نبونئید حضور داشته‌اند. اما اصطلاح «مردم اکد» برای نامیدن شهر اوپیس یا سیپر عجیب است چون فقط مردم محلی در آن نواحی حضور داشته‌اند. به عبارت دیگر اگر کشتار مردم محلی مورد نظر است عبارت «مردم اکد» رسا نیست. لمبرت پیشنهاد می‌کند که واژه نیشو را به معنی «افراد و مردان» تعبیر کنیم که در این صورت همان سپاه اکد مورد نظر است (بادامچی، ۱۳۹۱: ص ۳۴).

دکتر شاهرخ رزمجو (پژوهشگر موزه بریتانیا و استاد دانشگاه تهران) که یکی از متخصصان زبان‌های باستانی میان‌رودان است و ترجمه مستقیم او از استوانه کوروش در تارنمای رسمی موزه بریتانیا قرار دارد، اینچنین درباره اوپیس نوشته است:

کتیبه‌های بابلی، داستان سقوط شهر [بابل] را چنین بیان می‌کنند که نبونئید، به همراه سپاهش به جنگ کوروش رفت. در اوپیس، نبردی میان سپاه ایران و اکد

(سپاهیان نبونئید) روی داد که سپاه اکد شکست خورد و عقب نشینی کرد. نبونئید پس از شکست گریخت و به دنبال آن شهر سیپر، شهر نزدیک بابل تسلیم شد. کوروش بخشی از سپاهش را به فرماندهی گوبارو^۳ به پارسی باستان گئوبرووه^۴ به سوی بابل فرستاد و او بابل را در روز ۱۲ اکتبر (۲۰ مهر ماه) بدون جنگ تسخیر کرد. نبونئید در بازگشت به سوی بابل دستگیر شد (رزمجو، ۱۳۸۹: صص ۷۰ و ۷۱).

همچنین رزمجو در سومین همایش یادبود استوانه کوروش به این موضوع اشاره‌ای داشت و توضیحاتی را در این باره ارائه داد. به قول دکتر رزمجو، پرفسور لمبرت از بهترین متخصصان خط میخی دنیا بود که همیشه بهترین متخصصان دنیا اشکالاتشان را از ایشان می‌پرسدند. دکتر رزمجو اظهار داشت که متن را به پرفسور لمبرت نشان داد و ایشان هم تأیید کرد که چیزی راجع به قتل عام مردم در آن سطر نوشته نشده است. در واقع شکست سپاه دشمن توسط کوروش در آن بخش از رویدادنامه نبونئید نوشته شده است (رزمجو، ۱۳۹۲).

سخن پایانی

با توجه به شکستگی‌های متن رویدادنامه نبونئید در سالهای پیش از نبرد اوپیس، باید گفت که تحلیل این بخش دارای ابهاماتی است. منابع دیگر هم اطلاعاتی درباره جنگ اوپیس ارائه ندادند.

^۳ Gubaru

^۴ Gaubaruva

به هر حال باید گفت که برداشت‌های متفاوتی از جمله دو برداشت قابل قبول تر، از این بخش شده است:

اول آنکه این بخش اشاره به یک شورش همزمان با نبرد اوپیس در شهر بابل دارد و نبونئید شورشیان را سرکوب کرده است که با نوشته‌های «گزارش منظوم» و «استوانه کوروش» هماهنگی نسبی دارد ولی دارای ابهاماتی است (بر اساس ترجمه‌های اوپنهایم و ارفعی).

دوم آنکه این بخش اشاره به عقب نشینی سربازان بابلی در نبرد اوپیس دارد که از کوروش شکست خوردند (بر اساس ترجمه‌های لمبرت و رزمجو).

با توجه به اسناد و منابع کنونی و همچنین تسلط بالای پرفسور لمبرت به خطوط میخی و تحلیل درست او، باید گفت ترجمه لمبرت معتبر تر از ترجمه‌های دیگر به نظر می‌آید، هرچند ممکن است در آینده اسناد دیگری به دست آیند و حتی بخش‌هایی از رویدادنامه نبونئید که به دلیل شکستی در دسترس نیستند پیدا شوند و ترجمه‌های معتبر تری ارائه شوند.

باید گفت ترجمه‌هایی که بر کشتار مردم توسط کوروش بزرگ تاکید می‌کنند دقت کافی ندارند و اصلاً به ابهامات توجه نکردند. این در حالی است که درباره اوپیس در دیگر منابع گزارشی نیامده و اینگونه ترجمه‌ها با دیگر منابع بابلی از جمله «روایت منظوم» و «استوانه کوروش» و حتی ادامه همین «رویدادنامه» همخوانی ندارند،

با توجه به اشتراکی که در منابع وجود دارد، می‌توان گفت که جنگ کوروش و بابل ریشه در اتحاد نبونئید، پادشاه بابل با کرزوس پادشاه لودی برای حمله به کوروش

داشت. طبیعتاً از آنجایی که نبونئید خطر بزرگی برای قلمروی کوروش محسوب می‌شد، کوروش به مقابله با وی پرداخت.

برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به:

خالقیان، مجید (۲۱ دی ۱۳۹۴). «دلایل آغاز کشورگشایی‌های کوروش». پایگاه خردگان. نشانی رایاتاری: <http://kheradgan.ir/?p=9772>

شناسنامه نوشتار:

خالقیان، مجید، شهرکی، کوروش (۱۱ آذر ۱۳۹۷). «آیا کوروش مردم اوپیس را قتل عام کرد؟!». پایگاه خردگان. نشانی رایاتاری: <http://kheradgan.ir/?p=10228>

بن‌مایه‌ها و یاری‌نامه‌ها:

ارفعی، عبد المجید (۱۳۸۹). فرمان کوروش بزرگ. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.

اومستد، آلبرت تن آیک (۱۳۸۳). تاریخ شاهنشاهی هخامنشی. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

بادامچی، حسین (۱۳۹۱). فرمان کوروش بزرگ به همراه ویرایش، ترجمه و واژه نامه متن اکدی، تهران: نگاه معاصر.

رزمجو، شاهرخ (۱۳۸۹). استوانه کوروش بزرگ. تهران: فرزانه روز.

رزمجو، شاهرخ (۱۱ آبان ۱۳۹۲). سخنرانی در سومین همایش یادبود استوانه کوروش، انجمن علمی دانشجویان

تاریخ دانشگاه تهران. «نگاهی به رویدادها و سخنرانی‌های سومین همایش یادبود استوانه

کوروش». پردیس اهورا. نشانی رایاتاری: <http://7poa.com/post/205.htm>

کریمی پور، کوروش (۱۳۹۱). راز کوروش بزرگ. تهران: انتشارات گنجینه.

هرودوت (۱۳۸۹). تاریخ هرودوت. ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: اساطیر.

Razmjou, Shahrokh. "Translation of the text on the Cyrus Cylinder- Translated from the original text by Shahrokh Razmjou, curator, Department of the Middle East". The British Museum. Available online at: http://www.britishmuseum.org/pdf/cyrus-cylinder_translation-persian.pdf

پایگاه خردگان

تاریخ و فرهنگ ایران زمین

KHERADGAN.IR

